

هگست از برنامه‌ای گسترده برای بازسازی وزارت دفاع آمریکا خبر داد

انقلاب در وزارت دفاع آمریکا



در کنار آن، هگست خواهان تقویت نقش نهادهای مذهبی در ارتش و گسترش اختیارات دفتر امور مذهبی شده است. وجود روحانیون نظامی و گسترش نقش مذهب در ساختار ارتش، بخشی دیگر از برنامه اوست که محل بحث قرار گرفته‌است.

اصلاح ارتش یا تضعیف حرفه‌ای‌گری؟

در مجموع، برنامه هگست دو چهره متفاوت دارد. بخش نخست بر تحول فناوری، پهپادها، هوش مصنوعی، اصلاح زنجیره تأمین و کاهش بوروکراسی متمرکز است؛ حوزه‌هایی که مشکلات آنها سال‌هاست در پنتاگون مطرح بوده است. اما بخش دیگر، یعنی برخورد با فرماندهان ارشد، مداخله در روند ترفیع و فاصله گرفتن از نهادهای آموزشی سنتی، نگرانی‌هایی درباره حفظ استقلال حرفه‌ای ارتش ایجاد کرده است.

مسئله اصلی اکنون این است که آیا تغییرات گسترده هگست، شکاف میان رهبری سیاسی و بدنه حرفه‌ای ارتش را عمیق‌تر خواهد کرد. تجربه اجرای این اصلاحات در سال‌های آینده مشخص خواهد کرد که «انقلاب پنتاگون» چه نتیجه‌ای به دنبال دارد.

شده است.

نام انتخاب‌شده برای این طرح، «آمریکای دژ» است؛ عنوانی که منتقدان آن را بیش از حد تدافعی می‌دانند

در مقابل، طرح دیگری برای ساخت یک پایگاه نظامی بزرگ جدید با ظرفیت ۱۵ تا ۲۵ هزار نیرو، پرسش‌های بیشتری ایجاد کرده است. قرار است ایالت‌ها برای جذب این سرمایه‌گذاری با یکدیگر رقابت کنند؛ رویکردی که می‌تواند بودجه دفاعی را بیش از پیش به سمت رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای سوق دهد.

آموزش و مذهب؛ دو بخش بحث‌برانگیز دیگر

هگست در حوزه آموزش نظامی نیز خواهان فاصله گرفتن از دانشگاه‌های نخبه آمریکا شده است. او برخی دانشگاه‌های بزرگ را به ترویج تفکرات موسوم به «بیداری» متهم کرده و پیشنهاد داده است که آموزش دانشجویان نظامی با همکاری پنج دانشگاه از جمله دانشگاه ایالتی لویی‌زیانا، دانشگاه لیبرتی، دانشگاه تاسکیگی، دانشگاه ایالتی میسیسیپی و کالج هیلز دیل بازطراحی شود.

برنامه هگست در حوزه فناوری و پهپادها

در کنار این جنبه جنجالی، بخشی از برنامه هگست بر مشکلاتی تمرکز دارد که سال‌هاست در ساختار دفاعی آمریکا مطرح هستند. یکی از مهم‌ترین آنها وابستگی پنتاگون به سامانه‌های تسلیحاتی گران‌قیمت و قدیمی و پیچیدگی مقرراتی است که ورود شرکت‌های کوچک‌تر و فناوری‌های جدید به بازار دفاعی را دشوار می‌کند. تجربه جنگ‌های اخیر به‌ویژه اهمیت فزاینده پهپادها نشان داده است که سرعت توسعه و تولید تجهیزات ارزان‌قیمت و قابل استفاده در مقیاس بالا می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. در همین چارچوب، هگست پیشنهاد ایجاد «فرماندهی جنگ خودکار» را مطرح کرده است؛ ساختاری که مسئولیت عملیات پهپادی و سامانه‌های خودکار در حوزه‌های زمینی، دریایی و هوایی را بر عهده خواهد داشت.

او همچنین طرحی موسوم به «پروژه مریدین» را پیشنهاد کرده که طی آن ایلان ماسک، پالمر لاکي و نیوت گینگریچ در یک بررسی ۱۲۰ روزه، آینده جنگ در عصر هوش مصنوعی و سامانه‌های خودکار را ارزیابی کنند.

هدف اصلی این طرح، کوتاه کردن فاصله میان نوآوری فناوری و ورود آن به میدان نبرد است. با این حال، ایجاد یک فرماندهی جدید ممکن است به جای کاهش بوروکراسی، یک لایه دیگر به ساختار پیچیده پنتاگون اضافه کند. در جنگ‌های امروز، مرز میان حوزه‌های زمینی، دریایی، هوایی و فضایی بیش از گذشته درهم‌تنیده شده و تقریباً تمام سامانه‌های تسلیحاتی آینده نیز دارای اجزای خودکار خواهند بود.

امنیت زیرساخت‌ها و رقابت با چین

یکی دیگر از محورهای برنامه هگست، ایجاد زنجیره‌های تأمین مطمئن، شبکه‌های انرژی پایدار و ذخایر راهبردی برای پایگاه‌های نظامی آمریکا است. این بخش از برنامه در واکنش به نگرانی‌های واشنگتن درباره توانایی چین برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی آمریکا و محدود کردن دسترسی این کشور به مواد راهبردی، از جمله عناصر کمیاب، مطرح

به گزارش نشریه فارن پالیسی، پیت هگست در سخنرانی اخیر خود در پایگاه تفنگداران دریایی کوانتیکو، از برنامه‌ای گسترده برای بازسازی وزارت دفاع آمریکا سخن گفت. او این تحول را نوعی «چرخش» در مسیر ارتش آمریکا توصیف کرد؛ اما دامنه پیشنهادهای او فراتر از اصلاحات اداری معمول است و عملاً ساختار سنتی ارتش در زمینه آموزش، ارتقا، خرید تسلیحات و سازماندهی نیروها را هدف قرار می‌دهد.

پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، اصلاحات گسترده‌ای را برای تغییر ساختار ارتش و پنتاگون دنبال می‌کند؛ طرحی که از یک‌سو بر توسعه جنگ‌افزارهای خودکار، پهپادها، هوش مصنوعی و اصلاح روندهای فرسوده خرید تسلیحات متمرکز است و از سوی دیگر با پاکسازی گسترده در میان فرماندهان ارشد و دخالت در روند ترفیع افسران و ایجاد نهاد مذهبی در بخش نظامی همراه خواهد بود.

بخش بحث‌برانگیز این رویکرد، برخورد هگست با فرماندهان ارشد نظامی است. براساس آمار ارائه‌شده، از زمان آغاز به کار او، ۲۶ ژنرال و دریاسالار برکنار شده‌اند و روند ترفیع حدود ۵۵ فرمانده دیگر نیز متوقف یا محدود شده است. هگست اکنون خواستار کاهش مجموعاً ۲۰ درصدی شمار افسران ارشد ارتش است؛ اقدامی که منتقدان آن را تهدیدی برای نظام شایسته‌سالارانه ارتقا در ارتش می‌دانند.

سناتور جک رید، عضو ارشد دموکرات کمیته نیروهای مسلح سنا، هشدار داده است که چنین اقداماتی می‌تواند به ارتش آمریکا آسیب بزند و فرماندهان را به این نتیجه برساند که ارائه مشاوره نظامی مستقل ممکن است برای آینده شغلی آنها هزینه داشته باشد. در میان جمهوری‌خواهان نیز نگرانی‌هایی وجود دارد. سناتور تام تیلیس این اقدامات را خودسرانه و غیرقابل پیش‌بینی توصیف کرده است.

آکسیوس: ایران و آمریکا مدام حرف می‌زنند؛ اما حرف هم را نمی‌فهمند



بنابر تحلیل تارنمای خبری آمریکایی، یکی از دلایل ناکامی مذاکرات ایران و آمریکا آن است که طرفین دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی درباره بازه زمانی مذاکرات دارند.

دولت ترامپ و حکومت ایران هر دو می‌گویند که راه‌حل دیپلماتیک برای این جنگ را ترجیح می‌دهند، اما دستیابی به توافق، بیش از هر زمان دیگری دور از دسترس به نظر می‌رسد. ریشه‌های این بن‌بست ممکن است غیرقابل‌حل و آشتی‌ناپذیر باشند.

به گزارش آکسیوس، در ۱۸ ماه گذشته، دو دور مذاکره ناموفق به وقوع دو جنگ انجامیده است. تفاهم‌نامه ماه ژوئن ظرف چند روز فروپاشید و منجر به تشدید دوباره تنش‌ها شد. اگر تلاش‌های کنونی برای دستیابی به یک گشایش دیپلماتیک به بن‌بست برسد، احتمالاً ظرف چند هفته شاهد شعله‌ور شدن مجدد درگیری‌ها خواهیم بود.

این گزارش «بی‌اعتمادی مطلق» را هسته اصلی بن‌بست می‌داند؛ تهران آمریکا را به حمله در میانه مذاکرات متهم می‌کند و واشنگتن نیز می‌گوید ایران پس از تفاهم ژوئن آن را نقض کرده است. اختلاف بر سر این است که چه کسی اول امتیاز بدهد و چه تضمینی برای پایبندی طرف مقابل وجود

دارد؛ شکافی که هر دور دیپلماسی را دوباره به تهدید، تحریم و خطر جنگ می‌رساند. در اینجا نگاهی می‌اندازیم به برخی از پویایی‌های ریشه‌دار میان دو کشور – اعم از شخصی، فرهنگی و سیاسی – که مانع از تلاش‌ها برای دستیابی به توافق شده‌اند:

ترامپ دچار اختلال کم‌توجهی (ADD) است

یکی از دلایل این ناکامی‌ها آن است که ایالات متحده و ایران دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی در باره بازه زمانی مذاکرات دارند. تمرکز ترامپ بر دستیابی به توافقی سریع است؛ او وقتی کارها به کندی پیش می‌رود، بی‌حوصله و کلافه می‌شود.

کریم سجادپور، تحلیلگر ارشد اندیشکده «کارنگی» در گفتگو با این سایت خبری آمریکایی گفت: آمریکا در دوران ترامپ، ابرقدرتی با مشکل کم‌توجهی است... که ناتوان از تداوم بخشیدن به یک استراتژی است. برای مثال، در آوریل ۲۰۲۵، ترامپ مهلتی ۶۰ روزه برای مذاکرات تعیین کرد؛ زمان‌بندی‌ای که بسیار کوتاه و غیرواقعی‌بانه بود.

مذاکرات ماه فوریه امسال حتی کوتاه‌تر بود؛ حدود سه هفته. احتمال دستیابی به توافق در چنین مدت کوتاهی، تقریباً صفر بود.

توافق بزرگ در برابر آتش‌بسی محدود

ترامپ عاشق نمایش‌های سیاسی پرهیاهو است که در آن‌ها خود نقش بازیگر اصلی را ایفا می‌کند. او در پی توافقی تاریخ‌ساز است که رابطه میان ایالات متحده و ایران را بازتعریف کرده و چهره خاورمیانه را دگرگون سازد. سجادپور می‌گوید: ترامپ و تیم مذاکره‌کننده‌اش به «معامله‌گر» بودن خود می‌بالند؛ حال آنکه در فرهنگ سیاسی ایران، واژه «سازش‌کار» عملاً بار منفی و توهین‌آمیزی دارد.

مسئله بی‌اعتمادی

مانع‌بنیادین در این مذاکرات، بی‌اعتمادی است. ایرانیان می‌گویند که ترامپ دو بار با حمله به آن‌ها در میانه مذاکرات، آن‌ها را فریب داده است. بسیاری در درون نظام ایران بر این باورند که هر گونه مذاکره با ایالات متحده، صرفاً

ترفندی برای پنهان کردن تدارکات جهت یک حمله غافلگیرانه است.

در مقابل، طرف آمریکایی ادعا می‌کند که این ایران بود که با نقض تفاهم‌نامه ژوئن ۲۰۱۹ – آن‌هم تنها چندروز پس از امضای توافق و با حمله به کشتی‌ها در تنگه هرمز – مر تکتب بدعهدی شد. مقامات آمریکایی می‌گویند نمی‌توانند اطمینان داشته باشند که سپاه به توافقی که با اعضای عمل‌گراتر حکومت مذاکره شده است، پایبند بمانند.

فشار داخلی

این مذاکرات برای هر دو طرف به مسئله‌ای چالش‌برانگیز در عرصه سیاست داخلی تبدیل شده است. تیم مذاکره‌کننده ایران در داخل کشور هدف انتقادات و حملات مداومی قرار گرفته‌اند؛ امری که آن‌ها را به اتخاذ مواضعی سخت‌گیرانه‌تر در جریان مذاکرات سوق داده است.

ترامپ و تیم مذاکره‌کننده‌اش از سوی جناح راست برای عدم دستیابی به توافق تحت فشار هستند و از سوی جناح چپ نیز به دلیل احتمال پذیرش توافقی که یا وضعیت پیش از جنگ را احیا کند و یا شبیه توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ اوپاما باشد، مورد تمسخر قرار می‌گیرند.

همین نوع انتقادات باعث شد ترامپ از مواضع میانه‌روتری که چندین بار در ۱۸ ماه گذشته – از جمله اوایل همین هفته – اتخاذ کرده بود، عقب‌نشینی کند.

استیو ویتکاف و جرد کوشنر، فرستادگان کاخ سفید، و همچنین معاون رئیس‌جمهور، ونس، همچنان معتقدند که پیگیری دیپلماسی ارزشش را دارد؛ اما به نظر می‌رسد ترامپ بسیار بدبین‌تر است.

او در مصاحبه‌ای با مجله «تایم» که روز پنج‌شنبه منتشر شد، ادعا کرد که آنچه ایران برای انجام آن آمادگی دارد، برای او «کافی نیست».

مسعود یزشکیان روز پنجشنبه گفت: ما هرگز از گفتگو فرار نکرده و نخواهیم کرد، اگرچه ایالات متحده با وجود امضای توافق، سه بار کشور ما را هدف قرار داد. وی افزود: آمریکا باید این تصور را که می‌تواند ما را با ارعاب به زانو در آورد، کنار بگذارد.